

# تحولات سیاسی جنوب خراسان از انقلاب مشروطه تا پایان دوران قاجار

دکتر محسن مدیر شانه‌چی\*

دادخان پسر تیمور تاش را با دسته‌ای سوار از قوچان به بیرجند روانه کرد. اسماعیل خان نیز برادر کوچکتر خود محمد ابراهیم خان علم (شوکت‌الملک دوم) را با ۲۴ هزار تومان به تهران فرستاد.<sup>۱</sup> به نوشته مرحوم آیتی، در بهارستان، امیر محمد ابراهیم خان در آن هنگام سرتیپ بود و هنوز امیر محمد ابراهیم خان در تهران بود که امیر محمد اسماعیل خان درگذشت.<sup>۲</sup> پس از درگذشت اسماعیل خان که معلوم بود تمارض نکرده بلکه به واقع بیمار بوده است، ششصد هزار تومان دارایی او به ابراهیم خان صلح شد. شیخ فضل‌الله نوری صلح‌نامه را معتبر شناخت و از عین‌الدوله حکومت قائنات و لقب شوکت‌الملکی را برای محمد ابراهیم خان درخواست کرد. محمد ابراهیم خان نیز ده هزار تومان به

در این پژوهش، وضع سیاسی - اجتماعی جنوب خراسان و بویژه بیرجند در دوران مشروطه و اواخر دوران قاجار همزمان با حکمروایی امیر محمد ابراهیم خان علم (شوکت‌الملک دوم) بنیانگذار مدارس شوکتیه بر این خطه به اجمال بررسی خواهد شد.

حکومت بیرجند و قائنات در دوران قاجار به نوشته شادروان محمد علی تهرانی (کانونیان) در کتاب تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، «سلطنتی مستقل و حاکم آنجا کیف مایشاه و فعال مایرید بود و هر ساله مالیاتی به مرکز و تقدیمی به حکومت خراسان می‌داد». <sup>۱</sup> در ۱۳۲۴ قمری که عین‌الدوله همه حکام از جمله میراسماعیل خان (شوکت‌الملک اول) را احضار کرد، وی به بهانه بیماری از آمدن به تهران سر باز زد. عین‌الدوله، کریم

مرحوم آقای صدر و از رفقای مرحوم حاج شیخ فضل‌الله نوری و هواخواهان مرحوم محمدعلی شاه بود، تماسی با مشروطه نداشت. مرحوم شوکت‌الملک ابراهیم خان علم به لحاظ فتوای مرحوم آخوند ملامحمد کاظم هروی خراسانی و رفاقت آقا سید محمد طباطبایی و آقا سید عبدالله بهبهانی متمایل به مشروطیت و لباس مشروطیت پوشیده بود. از آن طرف مرحوم آقا حاج شیخ محمد باقر مجتهد همراهی با مشروطه را فسق و تدین به قانون اساسی را کفر می‌دانست و از این سوی آقای حاج شیخ محمد هادی در ترویج مشروطه لوایح می‌نگاشت و لوای مشروطه را به شانه داشت و بالجمله مرحوم شوکت‌الملک در دوره‌ای به حکومت رسید که آغاز هرج و مرج دولت ایران بود. به واسطه انقلابات داخلی سیاست دولتین روس و انگلیس از شمال و جنوب گریبان دولت و رجال ایران را گرفته بود.<sup>۷</sup>

تهرانی درباره این موضع‌گیریها و ریشه‌های آن به پشتیبانی گروهی، از جمله طلاب منطقه، از شوکت‌الملک اشاره می‌کند و می‌نویسد: «آنان طی عریضه‌ای به مجلس نوشتند که وی نهایت نگاهداری را از رعایا نموده و اهالی خواهان اویند و برادر را به خیانت و مراپله خارجی متهم نمودند».<sup>۸</sup> موضوع دریافت پول به مجلس کشیده شد و این

شیخ فضل‌الله نوری و قبض بیست هزار تومان به عین‌الدوله پیشکش کرد و به حکومت رسید؛ آن‌گاه به مجلس رفت و مدرسه شوکتیه را تأسیس کرد. املاک وی نیز وقف مریضخانه و مدارس ابتدایی و متوسطه شد. در این هنگام علی اکبرخان حسام‌الدوله (حشمت‌الملک) برادر بزرگتر هر دو شوکت‌الملک (اسماعیل خان و ابراهیم خان) که به حکومت فائزات دل بسته بود، به مخالفت با برادر پرداخت. وی برای رسیدن به حکومت ۴۵ هزار تومان پیشکش کرد و نیز بیست هزار تومان به محمد علی شاه، ده هزار تومان به حشمت‌الدوله، ده هزار تومان به سلطان علیخان وزیر افخم، پنج هزار تومان به شیخ فضل‌الله و قبض بیست هزار تومان دیگر هم به او داد که وصول نشد. در این کشمکش، شیخ فضل‌الله جانب علی اکبر خان را گرفت.<sup>۹</sup> سیدحسن تقی‌زاده نیز در تاریخ انقلاب مشروطیت ایران می‌نویسد شیخ فضل‌الله به فاصله چند ماه با گرفتن مبالغی پول از دو برادر (شوکت‌الملک و حشمت‌الملک) واسطه هر یک شده و حکومت قاینات و بیرجند را از عین‌الدوله برای آنان خواسته بود؛ به طوری که عین‌الدوله از این تناقض برآشفته و توصیه‌نامه را دور انداخته بود.<sup>۱۰</sup> تقی‌زاده همچنین حشمت‌الملک را طرفدار استبداد و متمایل به روسها و شوکت‌الملک را طرفدار مشروطه و متمایل به انگلیسیها می‌خواند.<sup>۱۱</sup>

شادروانان محمد علی تهرانی و حاج شیخ محمد حسین آیتی هر دو این گرایشها را به همین ترتیب تأیید می‌کنند. آیتی با تفصیل و توضیح بیشتری به شرح موضع‌گیریها هم در مرکز و هم در منطقه و ارتباط آنها با یکدیگر می‌پردازد. وی در بهارستان می‌نگارد:

اما وقایع و اتفاقات این مدت یعنی زمان حکومت امیر شوکت‌الملک از همه دوره‌ها بیشتر بود چون ابتدا در اثر اختلاف فیما بین امرا اهالی دو دسته شده و به نام حشمت و شوکت، حیدری نعمتی راه افتاده بود و هنوز این آشوب نخواستار شده که قضایای مشروطه و استبداد پیش آمد و مرحوم امیر حسام‌الدوله [حشمت‌الملک] چون مقلد

○ حکومت بیرجند و قائنات در دوران قاجار به نوشته شادروان محمد علی تهرانی (کاتوزیان) در کتاب تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، «سلطنتی مستقل و حاکم آنجا کیف مایشاء و فعال مایرید بود و هر ساله مالیاتی به مرکز و تقدیمی به حکومت خراسان می‌داد».

بزرگان بیرجند از رویدادها در تهران (برکناری محمد علی شاه) بسیار شادمان شدند و شهر را دو شب چراغانی کردند.<sup>۱۱</sup> آیتی نیز در این باره می‌نویسد: مدت حکومت مرحوم حسام‌الدوله در قاین یک سال بیشتر طول نکشید که قضایای خلع محمدعلی شاه و شهادت مرحوم حاج شیخ فضل‌الله توری و افتتاح مجلس شورای ملی [مجلس دوم] پیش آمد و در اثر روابط مرحوم امیر محمد ابراهیم خان علم با آقا سیدمحمد طباطبایی و آقا سید عبدالله بهبهانی و سوابق در مشروطیت، حکومت قاین به امیر معظم‌له برگشت و مرحوم حسام‌الدوله هم در بیرجند متوقف بود.<sup>۱۲</sup>

در آن هنگام یعنی در دوران قدرت و اعتبار شوکت‌الملک و ضعف و از پافتادگی حسام‌الدوله یا حشمت‌الملک که ناشی از شکست استبدادطلبان و پیروزی دوباره مشروطه‌خواهان بود، حشمت‌الملک پیشتر سرگرم تحریک و توطئه برای تضعیف شوکت‌الملک و دستیابی دوباره به قدرت پیشین بود. در یکی از گزارشهای یاد شده، درباره رویدادهای زمستان ۱۲۸۹ در منطقه آمده است که درخور واقع در چهل میلی غرب بیرجند اشرار بلوچ سیستانی به قتل و چپاول و غارت احشام و اسیر گرفتن زنان پرداختند. به نظر سر جرج بار کلی سفیر وقت انگلستان این رویدادها به تحریک حشمت‌الملک است و یک پنجم اموال چپاول شده به او می‌رسد و روشن است که این کار برای شکست شوکت‌الملک است.<sup>۱۳</sup> در گزارش دیگری از رویدادهای فروردین ۱۲۹۰ آمده است که خوشفها در اعتراض به ضعف شوکت‌الملک در سرکوب غارت‌چیان بلوچ به کنسولگری انگلیس در بیرجند پناهنده شده‌اند.<sup>۱۴</sup> همچنین در گزارشی دیگر از رخدادهای مرداد ۱۲۹۰ نوشته شده است که «طوایف بلوچ به تحریک حشمت‌الملک به قائلان هجوم آورده، عربهای آن ناحیه به بیرجند آمده، تجار معتبر برای استعانت آنها وجوهای جمع می‌کنند و راههای تمام این ایالت ناامن است.»<sup>۱۵</sup>

اوضاع نابسامان سیاسی در واپسین سالهای

○ اوضاع نابسامان سیاسی در واپسین سالهای فرمانروایی قاجار و درگیرها و ناآرامیهای داخلی با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ به دست رضاخان میرپنج و سید ضیاءالدین طباطبایی به پایان رسید و دوران تازه‌ای از تمرکز نیروها و آرامش و امنیت همراه با اختناق و استبداد آغاز شد. این تحویل مهم و تاریخ‌ساز در مرکز، در سراسر ایران از جمله بیرجند و دیگر سرزمینهای خاوری ایران، زمینه‌ساز تحولاتی شد که مهمترین آنها کاهش نسبی قدرت شوکت‌الملک و خاندان او و کناره‌گیری تدریجی وی از امارت نواحی جنوبی خراسان یعنی قائلان و سیستان بود.

یکی از علل مخالفت شیخ فضل‌الله با مجلس و مجلسیان و مشروطه و مشروطه‌طلبان گشت. تقی‌زاده نیز در این باره می‌نویسد که آزادی‌خواهان در مجلس به ضدیت با حشمت‌الملک و پشتیبانی از شوکت‌الملک پرداختند و وکیل‌الرعاای همدانی به دولت و شیخ فضل‌الله تاخت.<sup>۱۶</sup> با پیروزی دوباره مشروطه‌خواهان و پایان استبداد صغیر، شوکت‌الملک با اقتدار و اعتباری بیش از پیش به حکومت پرداخت. برپایه آنچه در «کتاب آبی» یا گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس آمده است، حسام‌الدوله در تیر ۱۲۸۸ اشخاص سرشناس بیرجند را فراخواند و اعلان شاه را قرائت کرد. به وکلای سابق انجمن گفته شد تا هنگام انتخاب جدید آنان نماینده انجمن خواهند بود.<sup>۱۷</sup> در گزارش دیگری مربوط به مرداد ۱۲۸۸، به سقوط محمد علی شاه و پیروزی دوباره مشروطه‌خواهان و بازتاب آن در بیرجند اشاره شده است. برپایه این گزارش، حسام‌الدوله از حکومت برکنار و شوکت‌الملک دوباره منصوب شده است. بازرگانان و

بود.

پس از کودتای سوم اسفند، سید ضیاءالدین طباطبایی به نخست‌وزیری رسید و به سبب درگیریهایی سیاسی که با احمد قوام (قوام‌السلطنه) والی وقت خراسان داشت، وی را برکنار کرد و به کلنل محمدتقی خان پسیان فرمانده ژاندارمری و رجل قدرتمند سیاسی-نظامی خراسان دستور داد او را به پایتخت بفرستند. کلنل و سید مهدی فرخ (معتصم‌السلطنه) قوام را در مشهد دستگیر و روانه تهران کردند. صدارت سید ضیاء دولت مستعجل بود و کابینه‌ای که کابینه صد روزه و کابینه سپاه خوانده می‌شود، پس از سه ماه و اندی در اردیبهشت ۱۳۰۰ بیشتر با زمینه‌چینی‌ها و توطئه‌های همدست و رقیب نیرومند او رضاخان که وزیر جنگ و مهره نظامی کودتا بود، فرو پاشید. سید ضیاء نه تنها از قدرت برکنار شد، که از ایران نیز گریخت و برای بیست سال از ایران رفت. با سقوط

#### ○ شوکت‌الملک در مکاتبات متعدد با

کلنل محمدتقی خان پسیان و سید مهدی فرخ از یک سو و قوام از سوی دیگر در پی میانجیگری و از میان بردن کدورت‌ها و دشمنی‌ها از راه‌های مسالمت‌آمیز بود. بر سر هم، او با شورشگری و سرکشی کلنل مخالف بود و جدا شدن راه خراسان از مرکز را بر نمی‌تابید؛ بر اطاعت از احمد شاه و رئیس‌الوزرا (قوام‌السلطنه) و یکپارچگی ایران و نگهداشت صلح و آرامش و امنیت و سرپیچی نکردن از دستورهای حکومت وقت و جلوگیری از خونریزی و برادرکشی تأکید داشت و میهن دوستی و گسترش فرهنگ و خیرخواهی را به دیگران سفارش می‌کرد.

فرمانروایی قاجار و درگیریهما و ناآرامیهای داخلی با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ به دست رضا خان میر پنج و سید ضیاءالدین طباطبایی به پایان رسید و دوران تازه‌ای از تمرکز نیروها و آرامش و امنیت همراه با اختناق و استبداد آغاز شد. این تحول مهم و تاریخ‌ساز در مرکز، در سراسر ایران از جمله بیرجند و دیگر سرزمینهای خاوری ایران، زمینه‌ساز تحولاتی شد که مهمترین آنها کاهش نسبی قدرت شوکت‌الملک و خاندان او و کناره‌گیری تدریجی وی از امارت نواحی جنوبی خراسان یعنی قانات و سیستان بود. هرچند شوکت‌الملک بعدها در دوران سلطنت رضا شاه و نیز در اوایل دهه بیست یعنی آغاز سلطنت محمدرضا شاه به مناصبی دست یافت، ولی آشکار بود که در پرتو حکومت اقتدارگرای پهلوی و تمرکز شدید ساختار سیاسی کشور، قدرت پیشین و به تعبیر محمدعلی تهرانی «سلطنت مستقل و حکومت فعال مایشاه» وی و خاندان او امکان تداوم نمی‌یابد. چنان‌که آیتی می‌نویسد، «در همان اوان بود که بتدریج قدرت نظامی ایران بسط و توسعه پیدا کرد و جان محمدخان به امارت لشکر شرق به خراسان آمد و قضایی در قانات رخ داد و به اصرار خود امیر شوکت‌الملک حکومت قاین بر امیر معصوم خان حسام‌الدوله و حکومت سیستان بر امیر محمدرضا خان مصمصام‌الدوله قرار گرفت و خود از کارها کنار کشید.»<sup>۱۶</sup>

به هر رو، با وجود کاسته شدن از قدرت پیشین، که پس از کودتا طبیعی بود، اقتدار و جایگاه منطقه‌ای شوکت‌الملک و نفوذ و اعتبار مردمی و معنوی وی که بویژه اعتقادات مذهبی، گرایشهای آزادیخواهانه، اقدامات عمرانی و اجتماعی و کارهای عام‌المنفعه و فرهنگی او مانند برپا کردن مدرسه شوکتیه پشتوانه‌ای معتبر برای آن به‌شمار می‌آمد، شوکت‌الملک را همچنان در کانون تحولات مهم تاریخی خراسان در این مقطع از تاریخ معاصر ایران قرار می‌داد. مسائل مربوط به قیام خراسان یا شورش کلنل محمدتقی خان پسیان و نقش شوکت‌الملک در این رویدادها از مهمترین این تحولات

قیام یا انقلاب خراسان به گونه مستند در قالب مراسلات و مذاکرات متوالی و مفصلی که در سال سرنوشت ساز ۱۳۰۰ در این خطه صورت گرفته، در کتاب انقلاب خراسان آمده است. از ۱۸۹۱ سند گردآوری شده در این کتاب، ۳۳ مورد تلگرافها و مخایرات حضوری شوکت‌الملک با کلنل محمد تقی خان سیان، معاون او سید مهدی فرخ (معتصم‌السلطنه)، احمد قوام (قوام‌السلطنه)، میرعباس تیموری (سالار اشجع)، محمدرضا هزاره (شجاع‌الملک) حکمران با خرز و سردار مکرم شیبانی حکمران طبس است. از این اسناد برمی آید که قوام برای سرکوب قیام کلنل در خراسان بیش از همه به شوکت‌الملک امید بسته بوده است؛ چرا که دامنه اقتدار شوکت‌الملک که فرمانروای قانات و سیستان بود، در عمل نیمه جنوبی خراسان را از طبس تا خواف در برمی گرفت و حکمرانان آن مناطق از او فرمان می بردند. شوکت‌الملک در مکاتبات متعدد با کلنل محمد تقی خان سیان و سید مهدی فرخ از يك سو و قوام از سوی دیگر در پی میانجیگری و از میان بردن کدورتها و دشمنی‌ها از راههای مسالمت آمیز بود. بر سر هم، او با شورشگری و سرکشی کلنل مخالف بود و جدا شدن راه خراسان از مرکز را بر نمی تابید؛ بر اطاعت از احمد شاه و رئیس‌الوزرا (قوام‌السلطنه) و یکپارچگی ایران و نگهداشت صلح و آرامش و امنیت و سرپیچی نکردن از دستورهای حکومت وقت و جلوگیری از خونریزی و برادرکشی تأکید داشت و میهن دوستی و گسترش فرهنگ و خیرخواهی را به دیگران سفارش می کرد. در این مکاتبات همواره دوستانه و با احترام و در همان حال با روشنی و تأکید بر اصول و مصالح سخن گفته است. کلنل و فرخ نیز بارها به تأیید شوکت‌الملک پرداخته‌اند و شخص کلنل به شرافت خانوادگی و نام با افتخار شوکت‌الملک اشاره کرده است. در این قضایا، به منظور رفع ابهامات و توضیحات حضوری، حاج حسین آقا ملک و حاج شیخ محمد آقازاده فرزند آخوند خراسانی از مشهد به بیرجند و محمدولی خان اسدی (مصباح دیوان) نایب‌الحکومه قانات از بیرجند به مشهد

سید ضیاء، قوام از زندان رها شد و به جای او بر کرسی صدارت نشست. از آن هنگام، مشکلات سیان و فرخ در خراسان آغاز شد. دستور دستگیری فرخ صادر شد. او از مشهد به سیستان گریخت و به شوکت‌الملک پناه برد. سیف‌پور فاطمی در خاطرات خود با نام گزند روزگار به این رویداد پرداخته است. به نوشته او، در پاسخ دستور دستگیری فرخ، شوکت‌الملک می گوید فرخ میهمان من است؛ تنها با زور می‌توانید او را از خانه من ببرید. به پشتوانه نفوذ گسترده شوکت‌الملک در قانات و سیستان بود که فرخ به نمایندگی سیستان در مجلس چهارم برگزیده شد؛ هرچند مخالفان سید ضیاء اعتبارنامه او را رد کردند.<sup>۱۷</sup>

مواضع شوکت‌الملک در برابر شخصیت اصلی در قیام خراسان یعنی کلنل محمد تقی خان، بی گمان می‌توانست تعیین کننده تر و واجد اهمیت بیشتری باشد. عباس خلیلی در خاطرات خود با عنوان در آئینه تاریخ می‌نویسد: «قوام مستقیماً به آقای شوکت‌الملک تلگراف کرد که با محمد تقی عاصی بستیزد و قوای خود را بر ضد او تجهیز کند...<sup>۱۸</sup> شوکت‌الملک علم خواست امر قوام‌السلطنه را اطاعت کند ولی در خود قوه هجوم و جنگ با کلنل را نمی‌دید. وسایطی برای صلح برانگیخت که شاید بدون خونریزی بتواند او را از طغیان منصرف کند. فرخ که اعتبارنامه‌اش رد شده بود و کار گزار مشهد بود، معاون کلنل شد. شوکت‌الملک هم به توسط فرخ تلگرافهای مبنی بر لزوم صلح نموده و سودی نبخشید. مصباح دیوان (اسدی) که بعد اعدام شد و در آن زمان پیشکار شوکت‌الملک علم بود، به نمایندگی از طرف او به مشهد رفت و کاری انجام نداد. شوکت‌الملک به اتفاق محمد آقازاده و ملک که هر دو مهمان او بودند، تصمیم بر ملاقات او گرفت و معتقد بود که قادر بر این است که کلنل را به مسالمت روانه هندوستان کند... هنوز ملاقات و مذاکره به عمل نیامده بود که کلنل از هر طرف دچار حملات عشایر گردید.»<sup>۱۹</sup>

شرح رویدادها و نقش میانجیگرانه شوکت‌الملک در

۱۷. نصرالله سیف پور فاطمی، گزند روزگار، خاطراتی از تحولات فارس در آستانه جنگ دوم جهانی، مجلس چهاردهم و بحرآن آذربایجان ۱۳۲۵-۱۳۱۷، تهران، شیرازه، ۱۳۷۹، ص ۸۹.
۱۸. عباس خلیلی، در آئینه تاریخ، خاطرات سیاسی عباس خلیلی مدیر روزنامه اقدام، به اهتمام محمد گلین، [بی جا]، انتشارات انوشه، ۱۳۸۰، ص ۸۵.
۱۹. همان، ص ۸۷.
۲۰. انقلاب خراسان، مجموعه اسناد و مدارک سال ۱۳۰۰ ش، به کوشش کاوه بیات، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۰، صفحات گوناگون.

### منابع:

۱. آیتی، حاج شیخ محمد حسین، بهارستان در تاریخ و تراجم و رجال قاینات و قهستان، ج ۲، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۱.
۲. بشیری، احمد (به کوشش و ویراستاری)، کتاب آبی، گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران، تهران، نشر نو، ۱۳۶۲، ج ۳.
۳. کتاب آبی، گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران، تهران، نشر نو، ۱۳۶۲، ج ۵.
۴. بیات، کاوه (به کوشش)، انقلاب خراسان، مجموعه اسناد و مدارک سال ۱۳۰۰ ش، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۰.
۵. تقی زاده، سید حسن، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، به کوشش عزیزالله علیزاده، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۹.
۶. تهرانی (کاتوزیان)، محمدعلی، مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، با مقدمه ناصر کاتوزیان، [تهران]، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹.
۷. خلیلی، عباس، در آئینه تاریخ، خاطرات سیاسی عباس خلیلی مدیر روزنامه اقدام، به اهتمام محمد گلین، [بی جا]، انتشارات انوشه، ۱۳۸۰.
۸. سیف پور فاطمی، نصرالله، گزند روزگار، خاطراتی از تحولات فارس در آستانه جنگ دوم جهانی، مجلس چهاردهم و بحرآن آذربایجان ۱۳۲۵-۱۳۱۷، تهران، شیرازه، ۱۳۷۹.

سفر می کنند، اما مکاتبات و گفتگوها و میانجیگریها فایده ای نمی بخشد و قیام کلنل با کشته شدن او پایان می پذیرد. ۲۰ تحولات خراسان نیز در پرتو دگرگونیهای عمومی ایران سیر تازه ای می یابد و با انقراض دودمان قاجار نقش و قدرت بی رقیب شوکت الملک و خاندان او در جنوب خراسان کاهش می یابد، اما گستره جغرافیایی مناسب و مسئولیتهای آنان از سطح منطقه ای به عرصه ای ملی و فرامنطقه ای کشیده می شود.

### زیر نویس ها

۱. محمدعلی تهرانی (کاتوزیان)، مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، با مقدمه ناصر کاتوزیان، [تهران]، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹، ص ۵۶۶.
۲. همان، ص ۵۶۷.
۳. حاج شیخ محمد حسین آیتی، بهارستان در تاریخ و تراجم و رجال قاینات و قهستان، ج ۲، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۱، صص ۱۱۹ و ۱۲۱.
۴. تهرانی، پیشین، صص ۵۶۸ و ۵۶۹.
۵. سید حسن تقی زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، به کوشش عزیزالله علیزاده، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۹، ص ۱۴۵.
۶. همان، ص ۱۴۶.
۷. آیتی، پیشین، ص ۱۲۳.
۸. تهرانی، پیشین، ص ۵۷۰.
۹. تقی زاده، پیشین، ص ۱۴۷.
۱۰. کتاب آبی، گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران، به کوشش و ویراستاری احمد بشیری، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۶۴۸.
۱۱. همان، ص ۷۲۹.
۱۲. آیتی، پیشین، ص ۱۱۸.
۱۳. کتاب آبی، ج ۵، ص ۱۰۳۸.
۱۴. همان، ص ۱۰۷۵.
۱۵. همان، ص ۱۲۰۷.
۱۶. آیتی، پیشین، ص ۱۲۴.